



رضوانه رضایی پور
روزنامه‌نگار

سیمای رسانه ملی

روایتی از جدال هواداران و منتقدان اصول‌گرای صدا و سیما

دفتر رهبری انقلاب است. نفر دوم مرتضی میرباقری معاون سیمای رئیس رسانه ملی و رئیس کمیسیون اجتماعی شورای عالی انقلاب فرهنگی است. عزت‌الله ضرغامی فرد سوم مورد اشاره وحید جلیلی است که ۱۰ سال ریاست سازمان صداوسیما را بر عهده داشت. اما نفر آخر، علی عسگری رئیس فعلی سازمان صدا و سیماست. جلیلی گفت: «هر چه رهبری صریح‌تر و تندتر نقدشان می‌کند بی‌محابت‌تر به جنگ راهبردهایش می‌روند، حالا دیگر لوله تفنگ‌هایشان را هر شب به سمت خانه‌هایمان می‌گیرند و فرزندانمان را نشانه می‌روند. ملیجک‌های قسطنطنیه که برای لبخند نشانیدن بر لب باند‌های قدرت؛ منتقدان حسین محمدی و مرتضی میرباقری و عزت ضرغامی و علی عسگری را با این ملجم برابر می‌کنند و برایشان شیشکی می‌کشند به جمهور مردم که می‌رسند «میر غضب» می‌شوند و ابایی ندارند که مدت‌ها؛ ملت بی‌پناه را در اوج تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی با سادیسم پنهان و آشکار خود بچرانند و از همان اصحاب قدرت جایزه بگیرند.»

حامی جلیلی به میدان می‌آید

اما گویا وحید جلیلی آنقدرها تنها نبود که بخواهد بار این مسئولیت را بر دوش بکشد. احسان محمد حسنی، رئیس سازمان سینمایی اوج هم در حمایت از او دست به کار شد و گفت که پیش از آشکار شدن این ماجرا، دعوایی هم در «دفتر» وجود داشت. او نوشت: «بارها در جلسات متعدد بویژه در «دفتر»، شاهد فریادهای بدون لکنت و فروباریدن نقدهای صریح و بدون تعارف بر حضرات ساکن در «سیمای جام جم» و همچنین «دفتر»؛ بودهام. این بار همان حرف‌ها را با قلمت علنی کرده‌ای.» او ادامه داد: «عمر «دولت آشنا» و «جریان انحراف» هم به سر آمده و هر چه دست و پا می‌زنند، بیشتر در باتلاق سیاست بازی و خشم ملت فرو می‌روند.» این دفاعیات محمد حسنی در نقطه شروع کشمکش‌های وحید جلیلی با برخی تصمیم‌سازان صداوسیما، در بحبوحه موضوع تغییر ریاست رسانه ملی رخ داد تا حجت‌الاسلام زائری، نخستین فردی باشد که محمد حسنی را به عنوان گزینه ریاست این سازمان معرفی می‌کند: «کاش امثال احسان محمد حسنی در اطراف رهبری باشند و کاش آنچه درباره احتمال ریاست او بر صداوسیما شنیده‌ام راست باشد. جوانی مانند او با تجربه مدیریت فرهنگی و آشنایی با رسانه و سابقه طولانی در ارتباط با هنرمندان و اهل فرهنگ شایسته‌ترین کسی است که در گزینه‌های نقل شده برای این سمت می‌توان یافت.»

انتقام با واقع‌گویی؟

تا اینجا ماجرا که ۶ روز از نامه انتقادی وحید جلیلی و یک ماه از سخنرانی او در جمع فیلمسازان خراسانی می‌گذرد، کسی وارد جدل با او نشد تا قریه به نام یکی از اعضای دفتر رهبر معظم انقلاب بیفتد؛ کسی که البته جلیلی نامی از او در میان آن ۴ نفر نیاورده است.

حجت‌الاسلام رضا غلامی، دبیر شورای فرهنگی دفتر رهبر معظم انقلاب در یادداشتی که در خبرگزاری صبا منتشر شد، پاسخ جلیلی را این گونه داد: «واقعی که به هر دلیل باب نقد نامنصفانه همراه با صراحت لهجه و ترمش‌کنی در جبهه انقلاب بازمی‌شود، این فقط دشمنان نیستند که به نان و نوایی می‌رسند و با همه وجود به ریش مامی خندند، بلکه در این مواقع سروکله به ظاهر خودی‌هایی که سال‌ها منتظر گشودن عقده‌های فروخته خود هستند و انتقام گرفتن از کسانی که مانع سور چرانی‌های آنها به اسم هنر انقلاب شده‌اند، غنیمت می‌شمرند نیز پیدا می‌شود. این افراد که بالاخره روزی دوران واریسی کارنامه آنها فرا خواهد رسید همچون کسانی که بوی نان و کباب به مشامشان رسیده با ذوق زدگی خود را به میدان رسانده و تیرهایی را هم به مغضوب شدگان پرتاب می‌کنند؛ این در حالی است که بالاخره روزی پرده از روی واقعیت‌ها کنار خواهد رفت و چهره حقیقی آنان آشکار خواهد شد.»

حاشیه‌ها از دور و بر صداوسیما محال است که به این زودی‌ها کنار رود. اگر برخی هم دست به افشاگری علیه آن نزنند، این خود رسانه ملی است که با ساخت برنامه‌های پر حرف و حدیث، خود را وارد رینگ می‌کند. رسانه ملی در یک ماهی که گذشت، با ۴ اتفاق روبه‌رو شد که البته غیر از یک مورد، برای هیچ‌کدام دست به روشنگری نزد. از غوغایی که جلیلی بر سر شکل فیلمسازی در این مجموعه راه انداخت تا طرح مبحث جانشینی و انتشار کتاب خاطرات سرفراز، صداوسیما برای هیچ‌کدام واکنشی نداشت و تنها توانست برای مستند «داستان اتم» ی که ساخته بود، با کمک یکی از رسانه‌های حامی خود در مقام دفاع برآید؛ دفاعی که البته به نظر نمی‌رسد توانسته باشد که همچون موارد دیگر نظر مساعد بینندگان خود را به دست آورد باشد.

چراغی که عروس تاریکی روشن کرد

شنبه ۱۹ مردادماه ۱۳۹۸ وحید جلیلی (برادر کوچک سعید جلیلی) به دعوت بچه‌های انجمن فیلمسازان خراسان در جشنی شرکت کرد و در ذکر موفقیت‌ها و چالش‌های فیلمسازی انقلاب اسلامی به این روزهای ایران رسید؛ به جایی که سریال «بوی باران» مدت‌ها بود که از شبکه اول سیما پخش می‌شد و کسی هم خبر نداشت که چگونه و از کجا ۱۵ میلیارد تومان خرج ساختن آن شده است.

سخنان وحید جلیلی کبریت در انبار باروت بود. او که پس از سه هفته در نامه‌ای از این سخنرانی خود پرده برداشت، از سریالی با نام اصلی «عروس تاریکی» که به «بوی باران» بدل شده بود با عنوان یکی از فجایع اخیر سینمای ایران یاد کرد و گفت که از داخل صدا و سیما به او خبر داده‌اند که آب در خوابگاه مورچگان ریخته است: «در آن گفتار از مدیران ارشد رسانه ملی و برخی پشتیبانان با نفوذشان در برخی جاهای مهم نظام سخن گفته بودم و اینکه دیگر بعد از ۲۰ سال کم‌کم وقت نهی از منکر علنی‌شان رسیده است و بعضی تاریخخانه‌های مدیریت باندی و ناکارآمد صداوسیما جمهوری اسلامی باید مورد هجوم نورافکن‌ها قرار گیرد.»

جلیلی در ادامه نامه ۵ هزار کلمه‌ای خود، به برخی از دست‌اندرکاران این سریال عنوان «صاحب منصبان باند باز» داد و گفت که اگر آنها در شأن خود نمی‌بینند که پاسخ وحید جلیلی را بدهند، صاحب این قلم اتفاقاً در شأن خود می‌داند که جواب نعمتی را که سال‌هاست از آن برخوردارند بدهد.

کدام صاحب منصبان باند باز؟

اما جلیلی از کدام «تیم سیاست باز کم‌مایه مدعی انحصارطلبی» سخن می‌گفت؟ او در همین نامه نخستین خود به طور شفاف از گروهی صحبت کرد که مدت‌هاست صداوسیما را در مشت خود دارند. او گفت: «عروس تاریکی» به شایستگی و روشنی محصول برنامه‌ریزی شده جماعتی است که بیش از دوده تجربه حکمیت بر رسانه ملی را دارند و در ادامه هم جزئیات بیشتری را از ساخت این سریال در تلویزیون علنی کرد. «پروژه ۱۵ میلیارد تومانی عروس تاریکی نه یک اتفاق تصادفی، نه یک تیپ ساده مدیریتی، نه یک خطای ناگزیر از سوی مدیریتی تازه‌کار و نورس که دقیقاً و کاملاً محصول طبیعی یک نظام برنامه‌ریزی فاسد در مدیریت رسانه ملی است. نظامی که البته پشتیبانان قاطع و جسوری در بیرون از سازمان و در برخی از جایگاه‌های مهم نظام دارند و به مدد همین پشتوانه پرمدعا، انحصارطلب و در بزنگاه‌ها خشن؛ توانسته‌اند صد‌ها برابر مهریه این عروس را از بودجه صدا و سیما هزینه کنند تا مبادا ترک بردارد چینی نازک انحصار باند‌های قدرت.»

جلیلی در ادامه این نامه از ۴ نفری نام برد که به قول خودش عامل همه گرفتاری‌های رسانه ملی هستند و نام آنان را هم «گروه خشن» گذاشت. نخست حسین محمدی؛ که معاون سیاسی علی لاریجانی در دوران ریاستش بر صداوسیما بود و هم‌اکنون عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و هماهنگ‌کننده امور فرهنگی